

# نظریه مبادله و مشارکت سیاسی زنان در مراکز

## شهری استان اصفهان

دکتر محمود کتابی\*

دکتر وحید قاسمی\*\*

### طرح موضوع و بیان مسئله گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

امروزه مشارکت سیاسی مردم، زیر بنا و بنیاد توسعه سیاسی کشورها را تشکیل می‌دهد. این مشارکت به ویژه در نظام‌های مردم سالار از اهمیت زیادی برخوردار است. ایفای نقش در عرصه سیاست توسط زنان را باید از جمله نقش‌های جدید تعریف شده برای زنان قلمداد کرد. در فرآیند توسعه فرهنگی و انتقال از جامعه سنتی به جامعه پس از سنت، نقش‌های اجتماعی مختلف باز تعریف می‌شود و در این تعریف مجدد، انتظارات نقش‌ها دگرگون می‌شود. نقش زنان در جامعه سنتی عمدتاً به نقش‌هایی در درون نهاد خانواده محدود می‌شود

---

\*\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

\*\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

و همواره بر نقش مادری و همسری آنها تأکید می‌گردد. در جامعه پس از سنت، از نقش‌های خانوادگی زنان، کاسته و به نقش‌های آنان در خارج از نهاد خانواده، افزوده می‌شود.

از مهم‌ترین نقش‌های یک زن در شرایط جدید نقش سیاسی اوست. در جامعه پس از سنت، موقعیت شهروند بودن زنان بیش از موجودیت زیست‌شناختی آنها مورد توجه است. ایفای هر نقش برای کنش‌گر اجتماعی، با هزینه‌ها و پاداش‌هایی همراه است. چنین به نظر می‌رسد که ایفای نقش‌های سیاسی (حضور واقعی در عرصه سیاست) به ویژه در کشورهای در حال توسعه، از جمله در کشورهایی نظیر ایران، همواره امری پر مخاطره و پرهزینه بوده است. عرصه سیاست به ویژه برای زنان (در مقایسه با مردان)، مخاطره‌آمیزتر و پرهزینه‌تر است.

به نظر می‌رسد که سطح مشارکت سیاسی زنان در ایران در حال حاضر پایین است و به طور عمده به حضور در پای صندوق‌های رأی - که از کم هزینه‌ترین اشکال مشارکت سیاسی است - محدود می‌شود. بالا بودن هزینه‌های حضور در عرصه سیاست به ویژه برای زنان، در برابر پایین بودن پاداش چنین فعالیت‌هایی، به کاهش مشارکت سیاسی و محدود شدن آن به کم هزینه‌ترین اشکال مشارکت، خواهد انجامید.

در این مقاله سعی بر این بوده است که موضوع مشارکت سیاسی زنان در مراکز شهری استان اصفهان در قالب نظریه مبادله مورد کندوکاو قرار گیرد. ضمن ارایه وضعیت موجود مشارکت سیاسی زنان، براساس معرف‌های مختلف، توان‌مندی نظریه مبادله، در تبیین آن به عنوان یک متغیر وابسته مورد آزمون تجربی قرار خواهد گرفت. در این چارچوب پنج سؤال اصلی به شرح زیر مطرح گردیده و پاسخ‌های لازم برای آنها تدارک دیده شده است:

- ۱- مشارکت سیاسی زنان در جامعه آماری مورد مطالعه در چه سطحی است؟
- ۲- موقعیت زنان، بر روی یک طیف هزینه/پاداش، برای مشارکت سیاسی چگونه است؟
- ۳- آیا می‌توان متغیر مشارکت سیاسی زنان را به عنوان یک متغیر وابسته، با استفاده از قضیه ارزش در نظریه مبادله، در جامعه آماری مورد مطالعه تبیین کرد؟
- ۴- در صورت مثبت بودن پاسخ به سؤال سوم، توانایی قضیه ارزش از نظریه مبادله، در تبیین مشارکت سیاسی زنان تا چه حد است و به عبارت دقیق‌تر چه سهمی از واریانس متغیر

مشارکت سیاسی زنان توسط قضیه مذکور توضیح داده می‌شود؟

۵- علاوه بر متغیر هزینه / پاداش، کدام متغیرها را می‌توان به عنوان متغیرهای مفروض تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی زنان در جامعه آماری مورد مطالعه دانست؟

### هدف مقاله

هدف مقاله حاضر بررسی وضعیت مشارکت سیاسی زنان در مراکز شهری استان اصفهان، براساس یک پژوهش پیمایشی است. مراد این است که با استفاده از نظریه مبادله - اینکه افراد به جهت کسب و اختصاص دادن برخی ارزش‌ها به خود، با دولت وارد مبادله می‌شوند و اینکه انتظار دارند در این مبادله عدالت برقرار باشد، میزان و چگونگی مشارکت سیاسی مردم (زنان) مطالعه و تجزیه و تحلیل شود.

### اهمیت موضوع و ضرورت مطالعه

افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های خارج از خانه و ایفای نقش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین هدف‌های کشور ایران در جهت توسعه پایدار بوده است. این در حالی است که صرف‌نظر از کمال مطلوب، واقعیت، به ویژه در نهاد سیاست و سازمان‌های سیاسی، حاکی از مشارکت ضعیف یا بسیار ضعیف در میان عامه زنان و به ویژه در سطح نخبگان آنان در جامعه است.

مشارکت سیاسی برای حکومت دارای منافع عملی ویژه‌ای است که فقدان آن به سامان سیاسی و اهداف بلند مدت آن زیان وارد می‌کند. اگر خرده نظام سیاسی زمینه لازم به منظور حضور گسترده‌تر و واقعی‌تر مردم را (به ویژه در راستای کاهش هزینه‌های ناشی از این حضور) فراهم نکند، قدرت به سمت شخصی شدن میل پیدا می‌کند و نظام مردم سالاری رو به افول خواهد گذاشت.

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ مصادف با اوج مشارکت سیاسی مردم و به ویژه زنان در ایران بود. در این میان به نظر می‌رسد بالا رفتن هزینه‌های مشارکت سیاسی و کاهش پاداش‌های ناشی از این نوع فعالیت، به هرچه بیشتر دور کردن زنان از سیاست و تبدیل آنها از فعالان

سیاسی به تماشاگران یا منزویان سیاسی انجامیده است.

آیت الله بجنوردی (۱۳۷۷) اهمیت موضوع مشارکت سیاسی را به واسطه مشروعیت بخشی آن، به حکومت اسلامی می‌داند. «مشروعیت حکومت اسلامی بعد از معصومین (ع) دارای دو رکن اساسی است و هر دو ذاتی و مقوم مشروعیت اند: یکی قوانین شارع مقدس یا همان شرایط و ویژگی‌هایی که خداوند تعالی مقرر کرده است و دیگر انتخاب مردم... هر قدر مشارکت سیاسی مردم کم رنگ‌تر شود همان قدر از مشروعیت حکومت و نیز اقتدار آن کاسته می‌شود. چون مشارکت سیاسی و مشروعیت لازم و ملزوم یکدیگرند... اگر مشارکت سیاسی مردم از بین برود و مردم از حکومت فاصله بگیرند. این نظام حکومتی، مشروعیت و اقتدار قانونی خود را از دست می‌دهد.» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

موضوع مشارکت سیاسی زنان در استان اصفهان (به ویژه از لحاظ تجربی) به گونه‌ای جدی مورد مطالعه و کنکاش قرار نگرفته است. با وجود این، مطالعه‌ای که در مورد معضلات فرهنگی بانوان انجام شده (قاسمی، ۱۳۷۶) نشان می‌دهد که یکی از حوزه‌های مهمی که زنان در آن دچار مسایل و مشکلات متعدد بوده‌اند، حوزه سیاست است، به نحوی که در اولویت بندی معضلات فرهنگی در بین یازده مقوله متفاوت، معضلات سیاسی رتبه سوم را به خود اختصاص داده است.

### چارچوب نظری مطالعه

جرج هومنز، صاحب‌نظر و مبتکر اصلی نظریه مبادله، به طور عمده تحت تأثیر همکار خود بی. اف. اسکینر<sup>(۱)</sup> در دانشگاه هاروارد و نیز زیر نفوذ فایده‌گرایی و اقتصاد کلاسیک بود. او اعتقاد داشت که سود فردی انگیزه عمومی است که سبب حرکت جهان و مردم آن می‌شود و مردان و زنان درست مانند کبوتران در آزمایش اسکینر - به گونه‌ای مثبت یا منفی زیر تأثیر محیط خود قرار می‌گیرند. (Coser, 1977: 572)

هومنز مبتکر دیدگاهی است که به رفتارگرایی اجتماعی اشتهار دارد. این سنت فکری بر بنیاد سنت اقتصاد کلاسیک، اصل مطلوبیت نهایی کاهنده<sup>(۱)</sup> و عقلانیت رفتاری استوار بود. این سنت در عین حال با سنت رفتارگرایی در روان‌شناسی پیوند داشت. در این سنت مفروض بود که یافته‌های علمی براساس معیارهای علمی استوار است که به نوبه خود نتیجه تأثیرهای مشخص عینی ناشی از محیط بیرونی، بر فرد (محرک) و نیز رفتارهای عینی قابل مشاهده (پاسخ) است.

دنیای اجتماعی از دیدگاه هومنز متضمن افرادی کنشگر است که در حال مبادله پاداش یا تنبیه‌اند. آنچه هومنز را از پنداره انسان اقتصادی در قرن نوزده متمایز می‌کرد این بود که از منظر او انگیزه عمل را تنها پول و کالا تشکیل نمی‌داد، بلکه تأیید، احترام، عشق، عاطفه و دیگر نشانه‌های غیرمادی و نمادین نیز از اهمیت برخوردار بود. انسان از نگاه هومنز موجود خردباوری بود که به محاسبه شادی‌ها و لذت‌ها و نیز آلام خود می‌پرداخت، با این که سود خود را به حداکثر برساند و از زیان خود بکاهد، (Loc, Cit) هدف نهایی

نظریه مبادله هومنز از وجوه مختلف مورد انتقاد واقع شده است از یک سو دیدگاه او فاقد ساختار تلقی می‌شود و از سوی دیگر گفته می‌شود که ارتباط پیوسته میان محرک و پاسخ، به گونه‌ای که هومنز ادعا دارد، خود به خودی نیست و فرآیندی میانجی وجود دارد که ضمن آن ارزش‌ها، سلیقه‌های شخصی مفاهیم و ممنوعیت‌ها و قیود تصویر ساده، براساس رابطه ساده پاداش / تنبیه استوار (Smelser, 1988, 119) محرک و پاسخ را است - پیچیده می‌کند.

پیتر بلاو<sup>(۲)</sup> از دیگر متفکران اجتماعی نام آور در زمینه نظریه مبادله، در اصول تحت تأثیر هومنز است. بلاو مدلی ارایه داده است که براساس آن «میان دو کنشگر، به گونه‌ای ملموس یا غیرملموس، پاداش و هزینه مبادله می‌شود». البته بلاو اذعان داشت که الگوی اقتصادی صرفاً خردباور هومنز در باب دادوستدهای انسانی، به ویژه در نقاط و مواقعی که مقیاس متعارفی

---

1- Diminishing Marginal Utility.

2- Peter Blau

برای اندازه‌گیری ارزش وجود نداشته باشد، تکافو نمی‌کند. بلاو با هومنز هم عقیده بود که افراد افزون بر پول، تأیید اجتماعی، احترام و پذیرش خواسته‌هایشان را به طور ذاتی مطلوب می‌انگارند، اما با او در این مورد هم آواز نبودند که میان کنشگران، هنجارهای مطلوب یکسانی وجود داشته باشد. واقعیت این است که هنجارها به گونه‌ای نظام‌مند مورد تجاوز قرار می‌گیرند و در نتیجه عدم توازن و محرومیت ایجاد می‌شود که به نوبه خود، مانع از کارکرد روان و بدون اصطکاک نظام اجتماعی می‌شود. بلاو معتقد بود که انسان‌ها از لحاظ منابعی که در اختیار دارند، پایگاه‌های قدرت می‌آفرینند که ممکن است با توسل به آن، افراد (کوتاه سخن این فاقد این پایگاهها را مورد استثمار قرار دهند (بلاو در کتاب (Cosser, 1977:573) که مبادله قدرت و زندگی اجتماعی (۱۹۶۴) ضمن اینکه نظریه مبادله هومنز را در اصول می‌پذیرد، اما در عین حال دیدگاه تعدیل شده‌ای از وی را ارایه می‌دهد. لازم است به این نکته نیز اشاره شود که انسان‌های کنشگر ممکن است در شرایطی حتی به بهای از دست دادن منافع شخصی و کاهش سود فردی، تحت تأثیر ارزش‌های حامل مشروعیت قرار گیرند. در این مجال امکان تجزیه و تحلیل و کنکاش درباره تمامی نحله‌های مربوط به نظریه مبادله و انتقادهای وارد شده بر آن نیست. لذا تنها به ذکر قضایای اصلی این نظریه و کاربرد احتمالی آن در پژوهش مربوط به مشارکت سیاسی زنان در استان اصفهان پرداخته می‌شود.

به عقیده جرج هومنز (۱۹۶۴) نظریه ساختی کارکردی و نظریه سیستم‌ها بیشتر به این نکته عنایت دارند که ماهیت روابط میان نهادها، چیست. این دو نظریه به نتایج و پیامدهای نهادها برای کل نظام اهمیت قایل‌اند و کمتر به چرایی روابط و علل ایجاد پدیده‌ها می‌پردازند. در قالب نظریه‌های یاد شده هرگز این پرسش مطرح نمی‌شود که چرا برخی هنجارها، کنش‌ها یا حتی نهادهایی خاص، پدید آمده‌اند. دغدغه‌هایی از این دست سبب شده است که شماری از صاحب‌نظران علوم اجتماعی در صدد یافتن نظریه‌ها یا گرایش‌های نظری بدیل، در علوم اجتماعی، برآیند و به کمک آن بتوانند از مسایل و تنگناهای یاد شده اجتناب کنند.

یکی از این گرایش‌ها و دیدگاه‌های نظری (نظریه مبادله) بر مفاهیم و قضایایی مبتنی است

که رفتار افراد را توصیف و تبیین می‌کند. نظریه‌ای که بر پایه قضایای مربوط به رفتار انسان‌ها بنیاد شده باشد، دارای مزیت‌های بسیاری است. برای مثال، شناخت و تشخیص افراد، آسان‌تر از شناخت و تشخیص نظام‌ها است. به همین ترتیب توصیف کنش و مبادله میان افراد آسان‌تر از تبیین مبادله در فراسوی مرزها، میان یک نظام سیاسی و دیگر نظام‌ها یا میان نظام سیاسی و محیط پیرامون آن است. (Waldman, 1972: 102)

قوانین یا قضایای اصلی حاکم بر رفتار انسان از دیدگاه هومنز (۱۹۶۷) به شرح زیر است:

۱. **قضیه محرک:** اگر در گذشته کنش انسان در برابر انگیزه یا محرکی خاص پاداش گرفته باشد، به اغلب احتمال در شرایط وقوع محرکی مشابه، فرد به کنشی مشابه در زمان حال دست خواهد زد.

۲. **قضیه موفقیت:** در یک محدوده زمانی معین، هر قدر پاداش کنش برای فرد ارزش‌مندتر باشد، احتمال انجام آن کنش بیشتر است.

۳. **قضیه ارزش:** هر قدر پاداش کنش برای فرد ارزش‌مندتر باشد، احتمال انجام آن کنش بیشتر است.

۴. **قضیه محرومیت (اشباع):** هر قدر تعداد پاداش‌ها در دوران متأخر بیشتر باشد، ارزش پاداش‌های دریافتی بعدی از پاداش دهنده (در نظر پاداش‌گیرنده) کمتر خواهد بود.

قضیه پرخاشگری و تأیید: اگر به نقش فرد پاداش مورد انتظار داده نشود، احتمال عصبانی شدن وی وجود دارد، به گونه‌ای که به انجام رفتار پرخاش‌گرانه متمایل می‌شود و در عصبانیت آثار و نتایج ناشی از رفتار پرخاش‌گرانه، برایش ارزشمند می‌شود. این نتایج در حکم جبران و توسلی، (۱۳۷۶: ۳۸۷-۴۰۶). پاداش خواهد بود (Waldman, 1972: 103-104)

به نظر می‌رسد قضیه سوم (ارزش) برای تحقیق حاضر کاربرد داشته باشد. البته قضیه سوم را می‌توان به شکل زیر نیز ارایه داد:

هر قدر هزینه ناشی از انجام یک کار برای فرد بیشتر باشد، او کمتر به انجام آن کار مبادرت خواهد کرد. در واقع امر، سود عبارت است از پاداش یک فعالیت منهای هزینه آن.

ناگفته نماند که قضیه ارزش یکی از مهم‌ترین قضایایی است که هومنز در نظریه خود ارایه

کرده است. در این قضیه ارزش‌مند بودن مفهومی درونی نیست، بلکه پدیده‌ای است که تعیینی بیرونی دارد. رفتار و نتایج آن از هرگونه تلاش فردی و از این رو، از هرگونه سازمان‌دهی ساختاری این تلاش‌های فردی مبری است. تنها ساختاری که به نظر می‌رسد وجود داشته باشد تلازم میان محرک و پاسخ است که مبین نوعی فرآیند ارتباطی است که میان فرد و موقعیت او پیوند برقرار می‌سازد.

اصولاً یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌های علم سیاست این است که چرا برخی حکومت‌ها و رژیم‌ها از سوی شهروندان مشروع تلقی می‌شوند و برخی دیگر نه مبتنی بر نظریه مبادله، انسان‌ها در پی برآورده ساختن بعضی ارزش‌ها هستند (ارزش‌های مادی و نیز ارزش‌های غیرمادی مانند عزت، حقوق اساسی و غیره) و برای این کار با دولت وارد مبادله می‌شوند. افراد در عین حال انتظار دارند در مبادله سیاسی (مبادله با دولت)، متناسب با خدمات و هزینه‌های خویش، بازدهی عادلانه داشته باشد. اگر این انتظارات در زمینه تأمین ارزش‌ها و دستیابی به نتیجه‌ای عادلانه، برآورده نشود، افراد ناکام و عصبانی می‌شوند. از آنجا که دولت، حداقل ارزش‌های مورد انتظار آنها را تأمین نمی‌کند و عدالت آن گونه که تصور می‌کنند - درباره آنها اجراء نمی‌شود، احتمال این‌که دولت را مشروع بپندارند کاهش می‌یابد (Waldman, 1972: 114) از سوی دیگر با توجه به آنچه که بیان شد اگر افراد (زنان) این احساس را داشته باشند که فعالیت آنها، به مثل، در بخش دولتی، بازده (پاداش) لازم را اگر پاداش افراد (زنان) در ندارند، آن را تکرار نخواهد کرد. (Waldman 1972: 115) قبال فعالیت‌های سیاسی تساجیز و در ازای فعالیت‌های خصوصی (خانه داری، تربیت فرزندان و غیره) بیشتر و ارزش‌مندتر باشد، در این صورت هزینه حداقل فعالیت سیاسی بسیار بالا خواهد بود و بنابراین افرادی که به دنبال سود (پاداش) هستند، بیشتر هدف‌های شخصی کم‌خطرتر و . پربازده‌تر را دنبال خواهند کرد. (Smelser 1988: 118)

هومنز معتقد است که «انسان همواره می‌کوشد تا رفتارهایی را که به پاداش منتهی می‌شود در کنش‌های متقابل جستجو کند. او از یک سو در جستجوی حداکثر سود یا بالاترین پاداش و از سوی دیگر در پی کاهش هزینه‌ها به حداقل است. هومنز نتیجه می‌گیرد که این دقیق‌ترین شیوه



رفتار موجودات است.» (توسلی، ۱۳۷۳: ۳۸۳).

هومنز با صاحب نظرانی مانند بلومر<sup>(۱)</sup> (۱۹۹۶) و کارفینکل<sup>(۲)</sup> (۱۹۶۷)، هم عقیده بود که فرد در قالب پاداش‌های اجتماعی، واحد اصلی تحلیل است و اینکه در نتیجه، قانون مندی‌های اجتماعی و رفتار نهادی از کنش‌های او نشأت می‌گیرد (Smelser; 1988:11) کوتاه سخن اینکه او رفتار اجتماعی را مبادله کنش تلقی می‌کند، خواه این کنش مادی باشد یا غیر مادی، خواه توأم با پاداش باشد یا متضمن هزینه (Smelser, op, Cit48)

## روش‌شناسی

روش تحقیق در این مطالعه پیمایشی بوده است.

جامعه آماری در پیمایش انجام شده، شامل کلیه زنان ۳۹-۲۰ ساله ساکن در مراکز شهرستان‌های استان اصفهان بوده است. انتخاب این گروه سنی برای جامعه آماری، بر نتایج تحقیقات قبلی در استان اصفهان اتکاء داشته که براساس آن بانوان در گروه سنی مذکور، مسایل مربوط به فعالیت‌ها و مشارکت سیاسی را از مهم‌ترین مسایل مربوط به خود اولویت بندی کرده‌اند. جامعه آماری بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ جمعاً شامل ۵۸۴/۲۸۳ نفر است. هر چند این رقم از تعداد واقعی زنان در زمان انجام مطالعه کمتر است، اما، این موضوع به دلیل بزرگ بودن حجم جامعه آماری بر برآورد حجم نمونه تأثیری ندارد و یا تأثیر آن بسیار اندک و قابل چشم پوشی است.

۳۰/۲ درصد اعضای جامعه آماری که اکثریت آنها را تشکیل می‌دهند، در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله قرار داشته‌اند. همچنین ۲۶/۸ درصد در گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله، ۲۳/۱ درصد در گروه سنی ۳۴-۳۰ ساله و ۲۰ درصد نیز در گروه سنی ۳۹-۳۵ ساله قرار داشته‌اند. به منظور برآورد میزان پراکندگی مشارکت سیاسی برای محاسبه حجم نمونه از شاخص

1- Blumer

2-Carfinkel

پراکندگی ضریب تغییرات استفاده شده است. فرمول مورد استفاده برای محاسبه حجم نمونه به شرح ذیل است:

$$n = \frac{t^2 v^2 N}{N n^2 + t^2 v^2}$$

در این فرمول:  $V$  برآورد ضریب تغییرات صفت مورد مطالعه بر حسب درصد،  $N$  حجم جامعه اصلی،  $n$  خطای نسبی حدی برای نمونه بر حسب درصد و  $t$  ضریب مشخص کننده احتمال خطای حدی یعنی احتمال اینکه خطای واقعی نمونه از خطای حدی تجاوز نخواهد کرد (منصور فر، ۱۳۷۲: ۱۲۶).

براساس طیف طرح شده برای مشارکت سیاسی در یک مطالعه مقدماتی، ضریب تغییرپذیری این متغیر برابر ۶۷٪ محاسبه گردید. خطای مجاز نمونه با توجه به امکانات مادی و انسانی برابر ۳ درصد در نظر گرفته شد. به این ترتیب مقادیر مورد استفاده برای محاسبه حجم نمونه به این شرح است:

$$t=1.96 \quad N=584283 \quad \eta=3 \quad V=65$$

براین اساس حجم نمونه برابر ۱۹۱۰ نفر محاسبه گردید. در نهایت به علت مخدوش بودن برخی از پرسشنامه‌ها، تعداد ۱۹۰۳ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای می‌باشد. وجود اطلاعات کلی و عدم امکان فراهم آوردن اطلاعات دقیق و جزئی از اعضای جامعه آماری برای محققان منجر به استفاده از این روش نمونه‌گیری شده است. سهمیه‌ها براساس نسبت متغیر گروه‌های پنج ساله سنی تعیین و از شانزده مرکز شهری در استان اصفهان نمونه‌گیری شده است.<sup>(۱)</sup> در جدول شماره ۱، اطلاعات دقیق‌تری درباره توزیع نسبی و مطلق حجم جامعه و نمونه آماری به تفکیک چهارگروه سنی مورد مطالعه ارائه شده است.

جدول ۱- توزیع جامعه و نمونه آماری در گروه‌های پنج ساله سنی

نمونه آماری		جامعه آماری (۱۳۷۵)		گروه سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۲/۹	۶۲۹	۳۰/۲	۱۷۶/۲۷۵	۲۰-۲۴ سال
۲۷/۱	۵۱۶	۲۶/۸	۱۵۶/۵۱۴	۲۵-۲۹ سال
۲۱/۲	۴۰۳	۲۳/۱	۱۳۴/۷۲۳	۳۰-۳۴
۱۸/۸	۳۵۸	۲۰	۱۱۶/۷۷۱	۳۵-۳۹
۱۰۰	۱۹۰۳	۱۰۰	۵۸۴/۲۸۳	جمع

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶: ۱-۳).

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. پرسشنامه دارای روایی صوری<sup>(۱)</sup> و آماری<sup>(۲)</sup> است. روایی آماری با استفاده از تکنیک گروه‌های شناخته شده، حاصل شده است. براساس این تکنیک، پرسشنامه در بین دو گروه ۲۵ نفره شناخته شده - با مشارکت سیاسی پایین و بالا - توزیع شده است. تفاوت میانگین دو گروه با اطمینان حداقل ۹۵ درصد به لحاظ آماری معنی دار بوده است. (جدول شماره ۲)

جدول ۲- مقایسه میانگین‌های دو گروه شناخته برای سنجش روایی طیف مشارکت

سیاسی زنان

گروه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	تعداد
اول	۲۳/۹۶	۴/۴۱	۰/۸۸۲	۲۵
دوم	۶/۴۰	۳/۰۸	۰/۶۱۶	۲۵
Tvalue=16.32		D.F=48		Sig=0.000

1-Face Validity

2-Statistical Validity

به منظور اندازه‌گیری پایایی<sup>(۱)</sup> طیف طرح شده جهت سنجش مشارکت سیاسی نیز از روش دو نیمه کردن و ضریب آماری اسپیرمن - براون استفاده شده است. این ضریب برای طیف مشارکت سیاسی براساس مطالعه مقدماتی انجام شده برابر ۰/۷۴۹ محاسبه شده است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت مصاحبه بوده است. هیجده مصاحبه‌گر در مراکز شهرستانهای مختلف استان اصفهان این مهم را به انجام رسانیده‌اند. پرسشگران همگی دارای تجربه مصاحبه‌گری جهت مطالعات اجتماعی می‌باشند.<sup>(۲)</sup>

### تعریف نظری و عملی مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی در این مقاله شامل رفتار و فعالیت‌هایی تعریف شده است که با هدف تأثیرگذاری بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آنها به صورت قانونی، داوطلبانه، سازمان یافته یا بدون سازمان در سطح ملی یا محلی و همراه با موفقیت یا شکست انجام می‌شود. به منظور سنجش مشارکت سیاسی از ۱۴ معرف استفاده شده است. هر پاسخگو با توجه به وضعیتش برای هر معرف، امتیازی را اخذ کرده است. مجموع امتیاز پاسخگویان برای ۱۴ معرف به عنوان میزان مشارکت سیاسی آنها در نظر گرفته شده است.

حداکثر سطح مشارکت سیاسی براساس معرف‌های ارائه شده و نحوه امتیازدهی برابر ۴۲ و حداقل سطح مشارکت سیاسی برابر صفر می‌باشد. متغیر فوق براساس نحوه سنجش به عنوان یک متغیر فاصله‌ای نیز فرض کرد.

#### 1- Reliability

۲- مصاحبه‌کنندگان به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: خانم‌ها ناهید احسانی؛ شیرین ایزدی؛ سودابه اربابان، مریم خلجی، عظیمه ذکریا، لایلا ستوده نیا، عذری شهنازی، مریم شریف، پروین صالحی، مریم عزیزی، فضا عزیزی، فرزانه فیاض، مژگان قاسمی، آزاده گوهرمنش، پروانه مکاری، ام البنین متقی نژاد، مریم موسی کاظمی و ابران یوسیلیانی

جدول ۳- معرف‌های سنجش سطح مشارکت سیاسی و امتیاز مرتبط با هریک از پاسخ‌ها

ردیف	معرف امتیاز و سطح مشارکت	اصلاً = ۰	کم = ۱	تاحدی = ۲	زیاد = ۳
۱	تشویق، بازداشتن یا بی‌تفاوتی نسبت به حضور همسر، برادر یا پدر در فعالیت‌های سیاسی	بازداشتن	بی‌تفاوت		تشویق
۲	میزان حضور در راهپیمایی‌ها	بندرت-اصلاً	گاهی اوقات	بیشتر اوقات	همیشه
۳	شرکت در انتخابات ریاست جمهوری	خیر	گاهی اوقات	بیشتر اوقات	همیشه
۴	شرکت در انتخابات خیرگان رهبری	خیر	گاهی اوقات	بیشتر اوقات	همیشه
۵	شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی	خیر	-	-	بلی
۶	میزان پی‌گیری اخبار سیاسی	بندرت-اصلاً	گاهگاهی	اغلب اوقات	همیشه
۷	بحث سیاسی در دیدارهای فامیلی	بندرت-اصلاً	گاهگاهی	اغلب اوقات	همیشه
۸	مراجعه به نمایندگان مجلس یا شوراهای اسلامی شهر جهت طرح مسائل و...	خیر	-	-	بلی
۹	تذکر به مقام‌های مملکتی یا ارسال نامه و...	خیر	-	-	بلی
۱۰	تلاش برای جمع‌آوری رأی به نفع یک کاندیدای خاص در انتخابات مختلف	خیر	-	-	بلی
۱۱	عضویت در یک حزب سیاسی	خیر و عدم تمایل	-	خیر و اظهار تمایل	بلی
۱۲	نوشتن مقاله‌هایی با موضوعات سیاسی	خیر	-	-	بلی
۱۳	ایراد سخنرانی با موضوعات سیاسی	خیر	-	-	بلی
۱۴	شرکت در نماز جمعه	بندرت-هیچ‌وقت	گاهی	اغلب	هر جمعه

## یافته‌های تحقیق

## الف - سطح مشارکت سیاسی

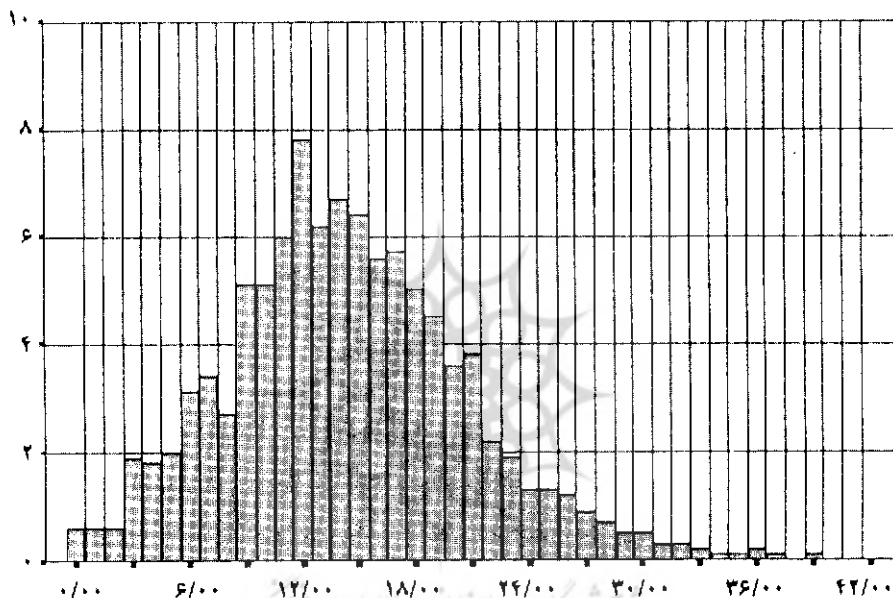
براساس طیف طرح شده برای سنجش مشارکت سیاسی (حداقل نمره صفر، حداکثر نمره ۴۲ و حد وسط ۲۱) میانگین مجموع نمرات متغیر سطح مشارکت سیاسی برابر ۱۴/۳ می‌باشد که با اطمینان حداقل ۹۵ درصد از حد متوسط طیف (مقدار ۲۱) کمتر است. خلاصه نتایج در این باره به شرح زیر است:

- ۱- مجموع نمره تنها ۱/۱ درصد از افراد مورد بررسی، ۳۰ و بالاتر بوده است.
- ۲- ۲۵ درصد نمونه مورد مطالعه دارای مجموع نمره کمتر از ۱۰، ۵۰ درصد دارای مجموع نمره کمتر از ۱۴ و ۷۵ درصد دارای مجموع نمره کمتر از ۱۸ می‌باشند.
- ۳- چگونگی توزیع متغیر مشارکت سیاسی برابر ۰/۳۸۸ حاکی از وجود درصد بیشتری از افراد در سمت چپ توزیع و به بیان دیگر تأییدی بر سطح ضعیف مشارکت سیاسی است.
- ۴- نمودار ارایه شده برای توزیع مجموع نمرات سطح مشارکت سیاسی حاکی از وجود تقریباً یک قرینگی در توزیع است. همچنین کشیدگی مثبت این توزیع حاکی از پراکندگی کم توزیع نسبت به یک توزیع نرمال است. به نحوی که در مجموع می‌توان نتیجه گرفت افراد مورد مطالعه تفاوت‌های شدید با یکدیگر نداشته و تا حدی از لحاظ سطح مشارکت سیاسی به یکدیگر شباهت دارند.
- ۵- برآورد متوسط سطح مشارکت سیاسی در جامعه آماری مورد مطالعه براساس برآورد کننده‌های مختلف به شرح زیر است:

Andrew	Hampel	Tukey	Huber	برآورد کننده
۱۳/۸۵	۱۴/۰۳	۱۳/۸۶	۱۴/۰۴	مقدار

نمودار ۱- توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب مجموع نمره آنها از طیف مشارکت سیاسی

درصد



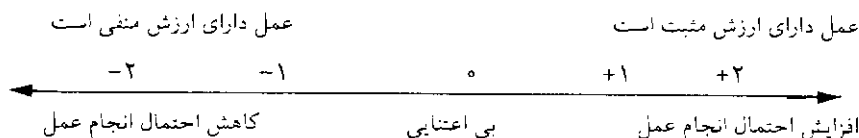
براساس یک گروه بندی هفت گانه (گروه بندی افراد مورد مطالعه بر حسب مجموع نمره آنها از طیف مشارکت سیاسی)، بیش از ۸۰ درصد از افراد مورد مطالعه در فاصله مشارکت سیاسی «خیلی کم تا مشارکت سیاسی در سطح متوسط پایین» قرار می‌گیرند. نتایج دقیق‌تر در این مورد را می‌توان در جدول شماره ۴ مشاهده کرد:

جدول ۴- توزیع فراوانی مطلق و نسبی نمونه مورد مطالعه بر حسب سطح مشارکت سیاسی بر روی یک طیف هفت درجه‌ای

سطح مشارکت	تعداد	درصد
فاقد مشارکت	۱۱	۰/۶
خیلی کم	۲۵۶	۱۳/۵
کم	۷۵۶	۳۹/۷
متوسط پایین	۶۵۸	۳۴/۵
متوسط بالا	۱۷۹	۹/۴
زیاد	۳۸	۲
خیلی زیاد	۵	۰/۳
جمع	۱۹۰۳	۱۰۰

#### ب - ارزش‌های مثبت و منفی مشارکت سیاسی

براساس قضیه ارزش در نظریه مبادله «هر اندازه نتیجه عمل یک شخص برای او با ارزش‌تر باشد، به همان اندازه علاقه وی نسبت به تداوم انجام آن عمل بیشتر می‌شود. ارزش ممکن است مثبت باشد یا منفی. نتایج مثبت عمل شخص را پاداش و نتایج منفی عمل را تنبیه می‌نامند. در این مقیاس نقطه صفر جایی است که شخص نسبت به نتیجه عملش بی‌اعتناست. این قضیه تلویحاً بیانگر آن است که افزایش در ارزش مثبت یا پاداش، این احتمال را افزایش می‌دهد که شخص یک عمل خاص را انجام دهد. بنابراین افزایش در ارزش منفی (تنبیه) احتمال انجام آن عمل را کاهش می‌دهد.» (توسلی، ۱۳۷۳: ۳۹۴) قضیه مذکور را می‌توان به کمک شکل زیر نشان داد:

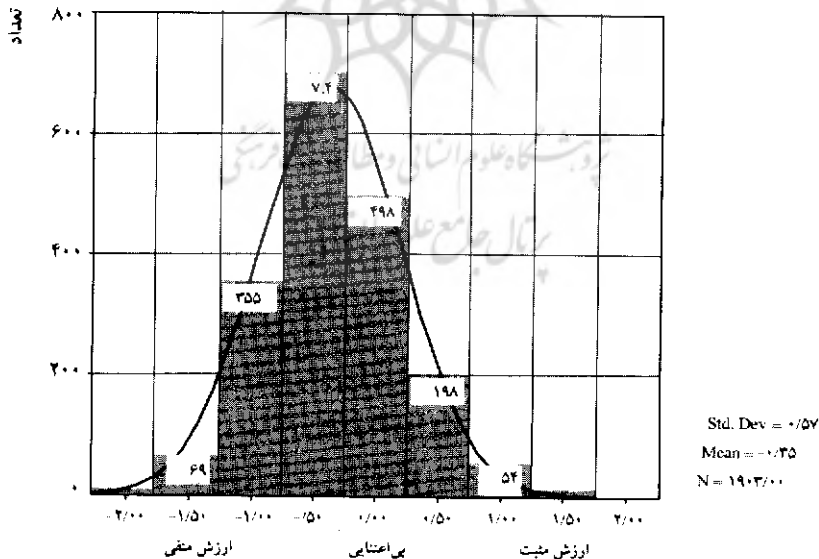


شکل ۱- قضیه ارزش در نظریه مبادله



به منظور تعیین ارزشیابی ذهنی هریک از افراد مورد مطالعه در رابطه با تعیین ارزش‌های مثبت (پاداش‌ها) و ارزش‌های منفی (تنبیه) عمل مشارکت سیاسی و تعیین جایگاه آنها بر روی شکل فوق شش‌گویه به شرح جدول شماره ۵، در تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که برای بیش از دو سوم از زنان مورد مطالعه مشارکت سیاسی دارای ارزش منفی است. ۱۱ درصد از زنان را می‌توان زنان بی‌اعتنا به مشارکت سیاسی دانست و برای حدود ۲۰ درصد نیز این نوع از فعالیت‌ها دارای ارزش مثبت است. توزیع ارزش مشارکت سیاسی یک توزیع تقریباً متقارن است که میانگین آن در قسمت منفی طیف قرار گرفته است. مقدار میانگین  $-۰/۳۵$ ، مقدار نمای  $۰/۵۰$ - و درصد قابل توجه زنان بر روی نقطه صفر حاکی از ارزش منفی یا بی‌اعتنایی درصد بالایی از زنان به مشارکت سیاسی است.

نمودار ۲- توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب مجموع نمره آنها از طیف ارزش مثبت / منفی



جدول ۵- گویه‌های سنجش ارزش‌های مثبت و منفی مشارکت سیاسی برای زنان

کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گویه
+۲	+۱	۰	-۱	-۲	بی‌گیری اخبار سیاسی از طرف زنان وقت تلف کردن است
-۲	-۱	۰	+۱	+۲	شرکت زن در فعالیت سیاسی باعث موفقیت او در آینده می‌شود
۲	+۱	۰	-۱	-۲	زامداران فقط در مواقع نیاز زنان را به صحنه می‌کشند پس از آن دیگر توجهی به آنها ندارند
+۲	+۱	۰	-۱	-۲	فعالیت سیاسی زندگی افراد را ناامن خواهد کرد
-۲	-۱	۰	+۱	+۲	شرکت زن در فعالیت‌های سیاسی توجه او را به زندگی خانوادگی افزایش خواهد داد.
-۲	-۱	۰	+۱	+۲	شرکت زن در فعالیت‌های سیاسی باعث رشد فکری و اجتماعی او می‌شود.

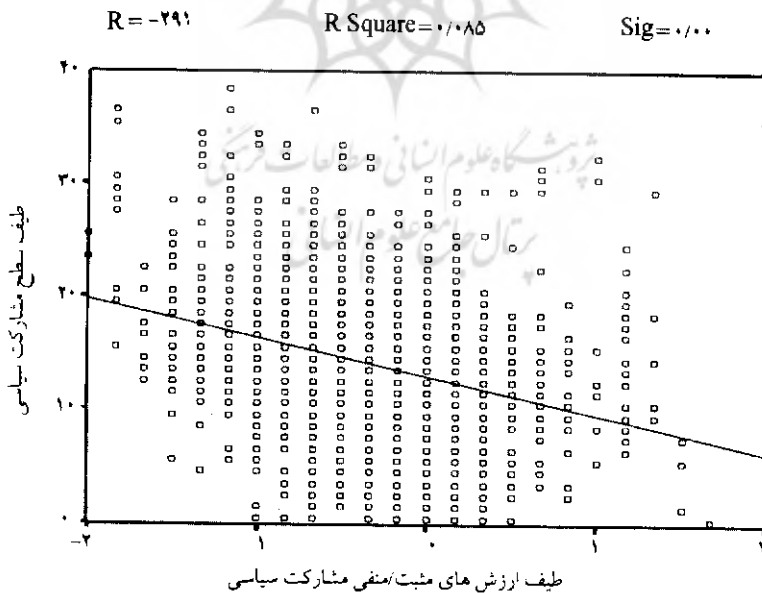
## ج - تأثیر ارزش‌های مثبت / منفی رفتار مشارکت سیاسی بر سطح آن

انجام رگرسیون بر اساس متغیر مستقل ارزیابی از ارزش‌های مثبت / منفی مشارکت سیاسی و متغیر وابسته سطح مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که می‌توان متغیر مستقل مذکور را به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر وابسته دانست. ضریب رگرسیون برابر ۰/۲۹۱- با ضریب تعیین ۰/۰۸۵ و همچنین سطح معنی داری ۰/۰۰۰ حاکی از آن است که در جامعه

آماري مورد مطالعه - زنان ۳۹-۲۰ ساله ساکن در مراکز شهری استان اصفهان - ضریب تأثیر از صفر کمتر است. می توان در مجموع به این نتیجه رسید که ارزیابی منفی تر از ارزش های رفتار مشارکت سیاسی به سطح پایین تر این نوع از مشارکت انجامیده است.

ضریب تعیین محاسبه شده نشان می دهد که مشارکت سیاسی زنان علاوه بر ارزیابی زنان از ارزش های مثبت / منفی این نوع از رفتار، تابعی از سایر متغیرهاست. تبیین حدود ۹ درصد از واریانس متغیر سطح مشارکت سیاسی توسط متغیر مستقل در این تحقیق، هرچند بیانگر قدرت تبیین کنندگی قابل قبول قضیه ارزش از نظریه مبادله برای رفتار مشارکت سیاسی زنان در جامعه آماری مورد مطالعه است اما به هیچ وجه برای یک تبیین با توانمندی بالا کفایت نمی کند.

نمودار شماره ۳- نمودار پراکنندگی و خط رگرسیون برای متغیر مستقل ارزشهای مثبت / منفی و متغیر وابسته سطح مشارکت سیاسی



وجود درصد قابل توجهی از زنان که با وجود اظهار وجود یک تراز منفی در ارزیابی ارزش‌های مثبت / منفی مشارکت سیاسی، از سطح مشارکت سیاسی بالایی برخوردارند (یا برعکس)، بیانگر آن است که نمی‌توان تنها با یک نگاه مبادله‌گرایانه به تبیین رفتارهای سیاسی زنان پرداخت، هرچند نادیده گرفتن این دیدگاه نظری در تبیین مشارکت سیاسی زنان نیز اشتباه است.

### سخن پایانی و پیشنهادها

بالارفتن هزینه‌های مشارکت سیاسی و کاهش پاداش‌های ناشی از این نوع رفتارها بدون شک بر میزان مشارکت سیاسی تأثیرگذار است اما نباید انتظار داشته باشیم که تنها به صرف کاهش دادن هزینه‌های این نوع از فعالیت‌ها شاهد حضور گسترده‌تر و واقعی‌تر زنان در عرصه سیاست باشیم.

به عنوان مثال در برخی مطالعات نظری و تجربی، متغیرهای دیگری نظیر ساخت خانواده (به لحاظ توزیع قدرت) و شیوه تربیت فرزند در این نهاد را از عوامل مهم تأثیرگذار بر نوع رفتارهای سیاسی افراد در بزرگسالی (و نیز مشارکت سیاسی) دانسته‌اند. به عبارت دیگر کیفیت و چگونگی گذراندن مراحل اولیه اجتماعی شدن را باید به عنوان یک متغیر مهم تأثیرگذار بر رفتارهای سیاسی بدانیم، هرچند تعیین سهم دقیق آن نیاز به مطالعات بیشتری دارد. بررسی پیشینه نظری و تجربی موضوع مشارکت سیاسی زنان در جامعه آماری مورد مطالعه، حاکی از فقر شدید مطالعات علمی در این رابطه است. مهم‌ترین پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی این است که با انجام مطالعات طولی و بلندمدت مبانی لازم برای تعیین مدل تبیین‌کننده مشارکت سیاسی زنان فراهم آید.

به لحاظ اجرایی مهم‌ترین پیشنهاد در حیطه این مطالعه کاهش هزینه‌های مشارکت سیاسی برای زنان به ویژه از طرف صاحبان قدرت رسمی است. این یکی از راهکارهایی است که براساس آن می‌توان به مشارکت سیاسی زنان، با کمیت و کیفیت بیشتر، امیدوار بود. افزایش ارزش‌های منفی ناشی از مشارکت سیاسی از عوامل مهمی است که به ایجاد نوعی رخوت و

سستی در مشارکت سیاسی زنان به ویژه فعالیت‌های سازمان یافته آنها انجامیده است. بی تردید فقدان یا کاهش مشارکت اجتماعی و سیاسی نیمی از جمعیت کشور در افول مشروعیت نظام سیاسی مؤثر است. از سوی دیگر، ایجاد زمینه‌های مشارکت زیان و ایجاد این احساس در آنان که در مبادله با دولت حق آنها به طور نسبی ادا می‌شود، به خوشبینی زنان نسبت به نظام سیاسی و در نتیجه افزایش مشروعیت آن منجر خواهد شد.

### فهرست منابع

- توسلی، غلامعباس. نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت، (۱۳۷۳)
- فجر، ایرینگ. علم سیاست. (ترجمه محمود کتابی)، انتشارات دانشگاه شیراز، تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۷، (۱۳۵۶).
- قاسمی، وحید. معضلات فرهنگی بانوان در استان اصفهان. کمیسیون امور بانوان استانداری اصفهان، (۱۳۷۶).
- کرایب، یان. نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات آگاه. تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۸، (۱۳۷۸).
- مرکز آمار ایران. تازه‌های آماری. تهران: سازمان برنامه و بودجه، فصلنامه اطلاع رسانی و پژوهشی تازه‌های آمار، (۱۳۷۷)
- منصورفر، کریم. تعیین حجم نمونه نامه. علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره سوم، صفحات ۱۳۹-۱۲۱، (۱۳۷۲).
- موسوی بجنوردی، سید محمد. نقش مشارکت سیاسی در مشروعیت حکومت اسلامی، در مشارکت سیاسی. به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: نشر سفیر، (۱۳۷۷).
- Coser, Lewis A.(1977). Masters of Sociological Thought Orlando Fla: College Publishers.
- Effret. Andrew (1972) Perspectives in Political Sociology: The Bobb Merill Company, Inc.

Homans. George C.(1964). Bringing Men Back. American Sociological Review , 29 December: 809-818.

Smelser , Neil S. (1988). Handbook Of Sociology. London :Sage Publications.

Waldman. Sydney R.(1972) Exchange Theory and Political Analysis, in Effret, Andrew (ed). Perspectives in Political Sociology Indiana Polis: The Bobb Merill Company , Inc.

